

کشاورزی؛ زیربنایی ترین موضوع در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی

سید حسین محمدزاده

از بدو خلقت انسان، همواره از محصولات کشاورزی به عنوان اصلی ترین منبع تأمین نیاز اولیه بشر، یعنی غذا نام برده شده و به همین دلیل این عرصه پس از پیدایش و گسترش جوامع انسانی نیز، نقش مهمی را در رفع نیاز افراد جامعه و تولید ملی و نیز تبادلات تجاری بین کشورها برعهده داشته است. البته با مرور زمان و با گسترش فعالیت های کشاورزی در بخش های مختلف؛ زراعی، باغی، مرتع داری، جنگل کاری، دامداری و دامپروری، زنبورداری، پرورش طیور و آبزیان و سایر جانداران مورد نیاز صنعت کشاورزی و ایجاد تنوع در محصولات این بخش، به تدریج این موضوع از اهمیت بیشتری نیز برخوردار شده است. علاوه بر این؛ بخش کشاورزی با ایجاد صنایع بالادستی وابسته به خود مانند؛ صنایع تولید ماشین آلات کشاورزی، صنایع تولید تجهیزات آبیاری نوین، صنایع تولید تجهیزات دامداری و دامپروری، صنایع تولید کودشیمیایی و سموم دفع آفات نباتی و امثال آن یا صنایع پایین دستی مانند؛ صنعت تولید پارچه و پوشاک، صنعت تولید کاغذ، بخش تولید خوراک دام و طیور و سایر موارد مشابه و نیز صنایع تبدیلی مانند؛ صنایع تولید کنسانتره، کنسرو و کمپوت و نیز صنایع واسطه ای مانند؛ صنعت؛ بسته بندی، انبارداری و سردخانه ای، حمل و نقل و توزیع و نگهداری، سهم مهمی در ایجاد اشتغال و نیز تولید ثروت ملی بر عهده دارد. این موضوع به قدری حائز اهمیت است که بسیاری از صاحب نظران بخش اقتصادی و دفاعی، عرصه کشاورزی را یکی از مهم ترین مؤلفه های ایجاد و حفظ استقلال و امنیت پایدار و با ثبات برای کشورها تلقی نموده و عاملی مهم و تأثیرگذار در معادلات بین المللی به حساب می آورند و معتقدند، این بخش در قیاس با بخش صنعت از اهمیت بیشتر و بالاتری برخوردار است، زیرا نابودی بخش کشاورزی در هر کشور می تواند، خطر افزایش وابستگی و گسترش ناامنی به خصوص در شرایط بحرانی مانند؛ زمان وقوع جنگ های گسترده را به شدت افزایش داده و حیات و سلامت مردم را در معرض خطر جدی قرار دهد.

وضعیت کشاورزی جهان از دریچه اطلاعات و آمار:

مرور وضعیت اقتصادی کشورهای مدعی قدرت از جمله؛ آمریکا، روسیه و چین نیز نشان می دهد، که اقتدار امنیتی و نیز پیشرفت این کشورها در بخش صنعت و حتی سایر عرصه ها، از بخش کشاورزی نشأت گرفته و تا حدود زیادی مرهون توجه به تولیدات این بخش بوده است. به عنوان مثال؛ آمارها نشان می دهد که روسیه توانسته با تولید و صدور سالانه بیش از ۲۲ میلیون تن گندم به کشورهای مختلف جهان، رکورد صادرات این محصول استراتژیک را به نام خود ثبت نماید، لذا گفته می شود هیچ تحریمی نمی تواند نقش برتر روسیه در کنترل نبض بازار جهانی مواد غذایی و خوار و بار از جمله گندم را مخدوش نماید. آمریکایی ها نیز در جریان جنگ جهانی دوم با استفاده از موقعیت جغرافیایی خود و دور ماندن از آسیب های این جنگ، در گام نخست ابتدا با افزایش تولید و عرضه محصولات غذایی و در واقع با اتکاء به درآمد حاصل از بخش کشاورزی توانستند به تدریج صنایع خود در سایر بخش ها به ویژه در بخش صنایع نظامی را نیز گسترش داده و به تأمین کننده اصلی نیازهای دفاعی و غیر دفاعی کشورهای متخاصم تبدیل و یکی از بزرگ ترین قدرت های اقتصادی جهان را پایه ریزی کنند. بر اساس گزارش سازمان خواروبار جهانی، از بین ۳۲۲ کشور دنیا تقریباً ۳/۱ آنها از جمله؛ سه کشور فوق و کشورهای نظیر؛ کانادا، نیوزیلند، آمریکا، برزیل، هلند، دانمارک، آرژانتین، فرانسه، رومانی، چین و حتی هند و پاکستان از نظر تولید محصولات کشاورزی در موقعیت ممتاز و جایگاه خوبی قرار دارند، البته در بین این کشورها برخی از آنها مانند؛ فرانسه و کانادا بیشتر در پی تولید محصولات سالم و ترجیحاً ارگانیک برای مصرف داخلی، در این عرصه وارد شده اند، برخی مانند؛ هلند، روسیه، آمریکا و چین علاوه بر تأمین نیاز داخلی، صادرات را نیز هدف قرار داده اند و برخی مانند؛ هند و پاکستان بیشتر برای حفظ وضع موجود در جهت تثبیت وضعیت اشتغال و تأمین معیشت مردم خویش به این موقعیت دست یافته اند. برخی از گزارش ها حکایت از آن دارد که به ترتیب کشورهای؛ آمریکا، روسیه، چین، برزیل، اسپانیا و حتی ژاپن که مقدار ناچیزی از اراضی آن قابل کشاورزی است، به ترتیب مقام اول تا پنجم و آلمان، هند، ایتالیا، کانادا و آفریقای جنوبی به ترتیب مقام های ششم تا دهم جهان در این زمینه را از آن خود ساخته اند. از نظر ساختار جمعیت کشاورزی، اگرچه بر اساس گزارش های بین المللی طی دو دهه اخیر جمعیت روستایی جهان نسبت به جمعیت شهری کاهش یافته است، با این حال هنوز حدود نیمی از جمعیت جهان یعنی بیش از ۲/۵ میلیارد نفر از جمعیت ۶/۱ میلیارد نفری کره زمین در روستاها و در بخش کشاورزی فعال هستند که از این تعداد ۲/۴ میلیارد نفر آن به کشورهای در حال توسعه مربوط می شود، یعنی حدود ۲۷٪ جمعیت روستایی جهان در کشورهای توسعه یافته و ۵۹٪ در کشورهای در حال توسعه و بقیه در کشورهای فقیر ساکن هستند. همچنین در این رابطه آمارهای جهانی نشان می دهد، با این که حدود ۱/۲ میلیارد نفر، معادل ۹۶/۵٪ از نیروی کار کشورهای در حال توسعه در بخش کشاورزی شاغل هستند، فقط

۳/۵٪ یعنی حدود ۴۶/۶ میلیون نفر از نیروی کار کشورهای توسعه یافته در این بخش فعالیت می‌کنند و در مجموع و به‌طور میانگین، سهم زنان در این رابطه در کشورهای توسعه یافته ۳۶٪ و در کشورهای در حال توسعه معادل ۴۴٪ برآورد شده است، با این حال سهم اشتغال کشاورزی در کشورهای توسعه یافته به مراتب کمتر از کشورهای در حال توسعه و برعکس درآمدشان به مراتب بیشتر از کشورهای مذکور است. در حال حاضر سهم بازار کار و اشتغال در بخش کشاورزی در بسیاری از این کشورها از جمله؛ کشور هلند که سومین کشور صادرکننده محصولات کشاورزی در اروپا به‌شمار می‌رود، فقط در حد ۲٪ است و این در حالی است همین میزان، بیش از ۳۵٪ از سهم تولید ملی این کشور را به خود اختصاص داد است و متقابلاً ۷۶/۶٪ جمعیت آسیا و ۱۷/۴٪ جمعیت آفریقا در این زمینه فعال هستند و معیشتشان کاملاً وابسته به کشاورزی است و این میزان در کشوری مانند؛ افغانستان ۶۷٪، در ترکیه ۴۵٪ و در ایران بالغ بر ۲۶٪ است. در مورد سهم کشاورزی در تولید ملی ذکر این نکته ضروری است که؛ این سهم در برخی از کشورهای توسعه یافته به ۴۵ تا ۹۰ درصد و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ۶۰ تا ۹۶ درصد می‌رسد، با این حال اطلاعات جهانی در سال ۲۰۰۱ بیانگر آن است که؛ ارزش تولید هر کشاورز در کشورهای توسعه یافته ۱۰ هزار دلار و در کشورهای در حال توسعه معادل ۶۷۲ دلار، یعنی حدود ۱۵ برابر کمتر از کشورهای توسعه یافته است. در همین سال نیوزیلند با ۴۹٪، استرالیا با ۲۶٪ و یونان با ۲۲٪ صادرات کشاورزی در میان کشورهای صنعتی، رتبه‌های اول تا سوم را از آن خود کرده‌اند و سهم ایران در این سال حدود ۴٪ بوده است. البته برخی از کشورهای منطقه مانند عربستان در وضعیتی بسیار بدتر از وضعیت ایران قرار دارند، با این که حدود یک سوم مردم این کشور به امر دامداری و بعضاً کشاورزی اشتغال دارند، اما کشاورزی تنها ۲٪ از سهم درآمد تولید را در اختیار دارد و متقابلاً نفت که حدود ۲٪ از جمعیت شاغل این کشور را شامل می‌شود، بیش از ۵۰٪ از درآمد تولید ملی را بر عهده دارد. به این ترتیب، کشاورزی هم می‌تواند به یک عرصه مناسب برای ایجاد اشتغال و تأمین معیشت مردم تبدیل و موجد امنیت پایدار در جامعه باشد و هم با اتکاء به دانش نوین و استفاده از تجهیزات مدرن و مکانیزه می‌تواند، نقش مهمی را در جهت افزایش سهم تولید ملی و تأمین بخش عمده نیازهای داخلی و نیز گسترش تبادلات تجاری و در نتیجه شکوفایی اقتصادی در جهت ارتقاء میزان درآمد کشور را برعهده بگیرد و به تبع آن؛ وابستگی متقابل در کشورهای مصرف‌کننده (مشتریان) را ایجاد نماید.

کشاورزی ایران مستعد پیشرفت و شکوفایی بیش از پیش:

در بسیاری از اسناد تاریخی از فلات ایران به عنوان نخستین خواستگاه کشاورزی جهان نام برده شده است، کارشناسان بر این باورند که هم‌اکنون نیز به‌جز مناطق جنگلی بیش از یک سوم خاک ایران یعنی بیش از ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع (۴۰ میلیون هکتار) از مساحت ۱،۶۴۸،۱۹۵ کیلومتر مربعی (۱۶۴ میلیون هکتاری) این سرزمین مستعد کشاورزی است و این در حالی است که در حال حاضر فقط حدود ۱۱/۵٪ از مساحت کشور یعنی حدود ۱۹۳،۷۹۷ کیلومتر مربع آن (کمی بیشتر از ۱۹ میلیون هکتار) زیر پوشش کشاورزی اعم از باغی یا زراعی قرار دارد که از همین مقدار هرسال حدود ۴ میلیون هکتار از آن یا تحت آیش (عدم کشت برای تقویت مجدد خاک) قرار دارد و یا به شکل بایر رها می‌شود. بر اساس گزارش سازمان اراضی کشور، در سال ۱۳۹۴ حدود ۱۸/۷ میلیون هکتار معادل ۱۸۷ کیلومتر مربع از اراضی کشور زیر پوشش کشاورزی قرار گرفته که از مجموع این مقدار، حدود ۲/۷ میلیون هکتار به باغات و ۱۶ میلیون هکتار به زمین‌های زراعی اعم از کشت دیم‌کاری یا آبیاری اختصاص دارد، البته کمتر از ۵۰٪ زمین‌های زراعی به شکل دیم‌کاری کشت می‌شوند، اما بیش از ۵۰٪ محصولات کشاورزی زراعی مربوط به کشت دیم است و این موضوع بدان معنا است که با استفاده از روش‌های نوین آبیاری می‌توان تولید محصولات متنوع کشاورزی کشور را بیش از پیش و در حد قابل ملاحظه‌ای افزایش داد. بر اساس گزارش بانک جهانی توسعه، هم‌اکنون کشور ایران از نظر مقدار زمین‌های کشاورزی در رتبه ۱۵ جهان قرار دارد، به این ترتیب و با عنایت به گزارش‌های منتشره، سرانه هر ایرانی ۲۴۰۰ متر زمین کشاورزی برآورد شده که نصف میزان آن در کشورهای توسعه یافته است. در بیان اهمیت این موضوع باید توجه داشته باشیم، با این که ایران در مناطق بیابانی و نیمه خشک قرار دارد و هنوز به سرانه کامل سهم زمین کشاورزی دست نیافته، در عین حال توانسته است از ۶۶ محصول اصلی کشاورزی اعلام شده در دنیا که شامل ۴۱ محصول زراعی و باغی مانند؛ گندم، جو، ذرت، حبوبات، سیب، موز و ۲۵ محصول دامی از جمله؛ گوشت گاو، گوسفند و ماهی و همچنین انواع لبنیات می‌شود، در تولید تقریباً یک سوم از آنها یعنی ۱۵ محصول باغی و ۷ محصول زراعی و بسیاری از دیگر محصولات غیراصلی مقام اول تا دهم تولید و صادرات جهان را در اختیار داشته باشد و بیش از ۴۴٪ از نیاز داخلی خود را به‌راحتی تأمین نماید. برخی از مهمترین این محصولات عبارتند از: زعفران، پسته، خاویار، زرشک، زیره، توت، انار، خرما، زردآلو، سیب، بادام، گردو، انواع سبزیجات، آجیل، انگور، نارنگی، پرتقال، عدس، شیر، عسل و برخی از دیگر اقلام، همچنین در برخی از محصولات مانند؛ غلات نیز رتبه ۱۳ و در پرورش و صید و برداشت ماهی رتبه ۳۵ جهانی و در تولید لبنیات سهم یک درصدی جهان را در اختیار داشته و به خودکفایی کامل رسیده است و به راحتی قادر است نیاز داخلی خود را تأمین نماید.

همچنین ایران در تولید علم کشاورزی نیز از جایگاه بسیار خوبی در سطح جهان و منطقه برخوردار است، به عنوان نمونه ایران در سال ۱۳۹۳ توانسته است، با تولید ۱۴۰۸ مقاله در رشته‌های مختلف کشاورزی، جایگاه اول در منطقه و کشورهای اسلامی و مقام چهاردهم جهان را به خود اختصاص دهد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با عنایت به ظرفیت‌های فوق‌العاده کشاورزی در این سرزمین، از جمله؛ شرایط اقلیمی و برخورداری همزمان از آب و هوای چهار فصل در طول سال، در یکی از سخنرانی‌هایشان فرمودند؛ «می‌شود رتبه کشاورزی ایران را به رتبه ۱۲ جهان رساند.» اما چرا تاکنون این مهم محقق نشده است؟ در پاسخ به این سؤال باید علت عدم بهره‌وری کامل از ظرفیت کشاورزی ایران را در دو عامل شامل: عوامل فیزیکی مانند؛ زمین، آب، بذر و نیروی کار و عوامل غیر فیزیکی؛ که عمدتاً ریشه در مدیریت دارد جستجو نمود. در این رابطه غالباً از کمبود آب به عنوان مهم‌ترین عامل نام برده می‌شود، گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نیز نشان می‌دهد که به طور میانگین میزان بارش سالانه در ایران حدود ۴۰۰ میلیارد متر مکعب است که ۲۷۰ میلیارد متر مکعب آن به علت بیابانی بودن و از بین رفتن پوشش گیاهی تبخیر می‌شود و از ۱۳ میلیارد متر مکعب باقیمانده ۹۲ میلیارد متر مکعب آن به آب‌های سطحی می‌پیوندد و ۳۸ میلیارد متر مکعب آن جذب زمین می‌شود، البته سرعت جذب آب در مناطق جنگلی کمتر از ۵ دقیقه، در مراتع و نقاطی که دارای پوشش گیاهی هستند حدود یک ساعت و در مناطق بیابانی و فاقد پوشش گیاهی حدود ۶ ساعت طول می‌کشد که همین پدیده گاهی منجر به بروز طغیان رودخانه‌ها و بروز سیل می‌شود. اما با عنایت به نتایج همین گزارش و گزارش‌های مشابه، باید حتی در این زمینه نیز علت اصلی مشکلات مربوط به بخش کشاورزی را در سوء مدیریت و ضعف‌های آموزشی ریشه‌یابی کرد، چراکه علی‌رغم تمام اقدامات صورت گرفته برای ترویج و گسترش سیستم‌های آبیاری تحت فشار، هنوز شاهد هدر رفت بخش قابل توجهی از منابع آبی کشور هستیم و طی چند دهه اخیر هزاران رشته قنات را از دست داده‌ایم، در حالی که مهار و استفاده درست از همین مقدار نزولات آسمانی و منابع آبی می‌توانست و هم‌اکنون نیز می‌تواند، زمینه را برای زیر کشت بردن سایر نقاط مستعد فراهم نماید. به عنوان مثال؛ در کشورهای پیشرفته به ازای هر متر مکعب آب، حدود سه کیلو گرم محصول کشاورزی برداشت می‌شود، در حالی که در ایران این مقدار به یک کیلو گرم هم نمی‌رسد، و به رغم مواجهه با کمبود آب، هر سال حدود ۱۰۰ هزار هکتار از اراضی مناطق مختلف ایران زیر کشت هندوانه که به آب زیاد نیاز دارد، می‌رود و با مصرف غیر اصولی و بی‌رویه این ماده حیاتی، برای تولید هر عدد این محصول به طور میانگین بیش از ۵۰۰ لیتر آب مصرف می‌شود، در حالی که محاسبات مالی نشان می‌دهد که حتی در صورت استفاده از روش‌های نوین آبیاری و کاهش میزان مصرف آن، باز هم کشت این محصول در بسیاری از مناطق ایران مقرون به صرفه نیست و این ناهنجاری در مورد برخی از دیگر محصولات مانند خیار نیز مصداق دارد. همچنین مدیریت منابع آب‌های کشور اعم از؛ آب‌های سطحی و به خصوص منابع آب‌های زیرزمینی که بخشی از آن در سال‌های اخیر مورد سرقت کشورهای همسایه قرار گرفته و بخشی از آن در جایی مانند؛ بوشهر به آب شور دریا می‌پیوندد، همچنان با مشکل مواجه بوده و مهار نشده است و این موضوعی است که بسیاری از کشورها با ایجاد سدهای زیرزمینی توانسته‌اند بر آن فائق آیند. با این حال ارزش تجارت غذایی و کشاورزی ایران در سال ۹۱ و ۹۲ بالغ بر ۱۸ میلیارد و ۴۱۲ میلیون دلار بوده که ۵/۲ آن صادرات مواد غذایی و کشاورزی و ۱۳ میلیارد و ۲۱۴ میلیون دلار آن به واردات این محصولات اختصاص داشته است. البته واردات در سال ۱۳۹۳ شامل؛ گندم، برنج، ذرت علوفه‌ای، کنجاله سویا، شکر تسویه نشده و روغن خام سویا و متأسفانه گروهی از محصولات غیر ضروری و حتی دارای تولید مشابه داخلی بوده که مشکلات و ناهنجاری‌ها در این زمینه را تشدید کرده است.

راهکارهای توسعه کشاورزی کدامند؟

با اینکه آمار و ارقام نشان می‌دهد، سود دهی در بخش کشاورزی کاهش پیدا کرده است، اما کسب جایگاه ممتاز و تبدیل شدن به قطب کشاورزی به شکل تجاری و ارج نهادن بر نقش بزرگترین قشر تولید کننده در کشور؛ ایران که با حدود ۸۰ میلیون نفر، دومین جمعیت بزرگ خاورمیانه محسوب می‌شود و ۵۰٪ (معادل حدود ۱۶/۸ از سهم اشتغال کشور) روستائیان آن در بخش کشاورزی و دامداری فعال هستند، مستلزم آن است که؛

- ۱- توسعه و پیشرفت روستاها در ابعاد مختلف، به خصوص در زمینه ارائه خدمات دولتی مانند؛ خدمات درمانی و آموزشی بیش از پیش و با سرعت بیشتر مورد توجه قرار گیرد و برای کمک به این موضوع باید از اقداماتی مانند؛ پرداخت یارانه به فعالیت‌های کشاورزی و یا تضمین پرداخت مادام‌العمر یارانه ماهانه (یارانه فعلی که به عموم مردم پرداخت می‌شود) به روستائیان و حتی افزایش مقدار آن بهره برد.
- ۲- مدیریت منابع آب‌های زیر زمینی از طریق؛ ایجاد سازمان احیاء قنوات، ترویج و گسترش شبکه آبیاری تحت فشار، توجه به مهار آب‌های سطحی و احداث سدهای زیرزمینی برای مهار منابع آب‌های زیر زمینی در اولویت قرار گیرد.

۳- از واردات بی‌رویه محصولات و نیز تجهیزات کشاورزی، جلوگیری و برخورد جدی و قاطعانه با قاچاقچیان و همچنین دلالتان فعال در این عرصه، از طریق ایجاد سیستم نظارتی، بهبود فرآیند کاشت، داشت، برداشت، حمل و نقل و توزیع و نیز خدمات انبارداری و سردخانه‌ای در دستور کار قرار گیرد.

۴- برای افزایش بهره‌وری و ارتقاء میزان تولید، در مورد یک‌پارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی از طریق اقداماتی مانند؛ ایجاد تعاونی‌های تولیدی و نیز تعاونی‌های خدمات روستایی تدابیر لازم اندیشیده شود.

۵- برای جلوگیری از تولید مازاد و هدر رفت تولیدات کشاورزان و به عبارت دیگر برای ایجاد تعادل در میزان عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی، متناسب با نیاز صادراتی و مصرف سالانه داخلی، محاسبات دقیق انجام و سیستم‌های لازم برای اطلاع‌رسانی طراحی و عملیاتی شود.

۶- حمایت از مخترعان، مبتکرین و تولید کنندگان محصولات و صنایع بالادستی و پایین‌دستی مرتبط با این حوزه و همچنین تلاش برای خودکفایی و استقلال در این زمینه مورد توجه جدی قرار گیرد.

۷- مهمتر از همه این موارد، اقداماتی است که باید برای تقویت و گسترش برنامه‌های آموزشی در این زمینه از طریق اقداماتی مانند؛ تربیت و اعزام مروج کشاورزی حرفه‌ای یا به‌کارگیری سرباز مروج واجد شرایط (با همکاری ستاد کل نیروهای مسلح) و به ویژه ایجاد شبکه تلویزیونی تخصصی تحت عنوان؛ «شبکه روستا»، «شبکه سبز» یا «شبکه کشاورزی» و امثال آن صورت پذیرد.

بررسی نتایج ایجاد شبکه‌های تخصصی تلویزیونی با محوریت کشاورزی در کشورهایی مانند؛ آمریکا، کانادا، نیوزیلند، برزیل، آرژانتین، دانمارک، فرانسه، رومانی، چین و حتی پاکستان که جنبه‌های مختلف علمی، آموزشی، اطلاع‌رسانی و حتی سرگرمی و تفریحی را با ارائه انواع برنامه‌ها و فیلم‌های مستند و داستانی دنبال می‌کنند، نیز بیانگر دستاوردهای شگرفی است، که بخش کشاورزی کشورهای مذکور را متحول و آنها را در ردیف بزرگترین تولیدکنندگان و در بسیاری از موارد در زمره‌ی بزرگترین صادرکنندگان محصولات کشاورزی قرار داده است.

در هر حال همان‌گونه که اشاره شد، نباید فراموش کنیم که؛ نسل‌های آینده نیز از منابع فعلی کشور سهم دارند و لذا ایجاد امنیت پایدار و برخورداری از محیط زیست سالم و پویا و درازمدت، تنها از طریق توسعه و پیشرفت متعادل و متوازن در امور مختلف کشور و توجه ویژه به بخش کشاورزی که متضمن تأمین حیاتی‌ترین نیاز انسان یعنی غذا و پوشاک و محیط زیست سالم است، ممکن خواهد بود و این بدان معناست که هیچ‌گاه نباید سهم روستائیان از پیشرفت و توسعه همه‌جانبه کشور مورد غفلت قرار گیرد.